



تحلیل موضوعی «طریق النجات»؛ ولایت‌نامه‌ای در شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام)

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۲

نعمت الله پناهی^۱

چکیده

وقایع سیاسی اجتماعی در قرن‌های نخستین اسلام از منظر شیفتگان امامت و اهل بیت (علیهم‌السلام) انعکاس دهنده مظلالم و فجایع حاکمان زمان است. واکنش اعتراضی به این مظلالم و فجایع طی سال‌ها به اشکال مختلف بروز پیدا کرده و گاهی نیز در فضای اختناق آمیز و تیره و تاریک زمان با سرودن قطعات و گونه‌های ادبی به دو شکل ابراز توبی و اظهار تبری پایه‌ریزی شده است. با این پیش‌فرض، ولایت‌نامه‌ها در بردارنده کامل‌ترین سروده‌هایی است که شاعران شیعه با اظهار ارادت به خاندان نبوت و امامت، میراث ادبی ماندگاری را در حفظ و انتقال معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، معجزات، کرامات و فضایل ائمه (علیهم‌السلام) ثبت کرده‌اند؛ به‌طوری که مهم‌ترین منبع مناقب‌خوانان و راویان دینی در بین مردم کوچه و بازار بوده است. این مقاله، با بررسی یکی از بهترین مصادیق «ولایت‌نامه» سُرایی، به روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد منظومه طریق النجات خیالی اصفهانی را معرفی، توصیف و تحلیل موضوعی کند؛ با نگاهی به ساختار موضوعی کتاب که بر حمد خدا، نعت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مدح و ثنای چهارده معصوم (علیهم‌السلام) استوار است، شاعر می‌کوشد با استناد به روایت‌های دینی، به خصوصیت‌های برجسته و جریان‌ساز شخصیت‌های دینی تاریخ تشیع اشاره کند. با این هدف مضامینی مثل وقایع مهم و اعجاز‌های خاص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عظمت چشمگیر مقام حضرت علی (علیه‌السلام)، مظلوم واقع شدن امامان شیعه (علیهم‌السلام) و واقعه عظیم کربلا، علم گسترده و اخلاق انسان‌دوستانه امامان، صبر و شکیبایی بر شدايد و مصیبت‌های زندگی، از مهم‌ترین بخش‌های کتاب است که در این مقاله به‌ترتیب از نعت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا حضرت قائم (علیه‌السلام) توصیف و تحلیل شده است. زبان شعری پرفخامت و تعابیر ناب شاعرانه که به تناسب هر بخش، ابیاتی از آن انتخاب شده، گواه است که شاعر با بلاغت کلام این منظومه غنی را جذاب‌تر و دل‌نشین‌تر کرده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شیعی، شعر فارسی قرن سیزدهم، مدح چهارده معصوم (علیهم‌السلام)، طریق النجات، خیالی اصفهانی.

۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد: npanahi90@gmail.com

۱. مسئله پژوهش

طریق النجات فی احوالات الائمه الاثنی عشر، منظومه‌ای است ۲۶۱۷ بیتی در قالب مثنوی و در بحر متقارب که طالب‌الدین محمدحسین متخلص به خیالی از شاعران قرن سیزدهم قمری در ستایش چهارده معصوم (علیهم‌السلام) سروده است. اطلاعات تاریخی مستند درباره سال تولد و وفات خیالی اصفهانی در دست نیست. تذکره‌نویسان نیز درباره این شاعر سکوت اختیار کرده‌اند. همین قدر به نقل از مصحح این منظومه می‌توان گفت که «او از شاعران معاصر دو تن از پادشاهان سلسله قاجاریه محمدشاه و پسرش ناصرالدین شاه قاجار است... شاعری است گمنام، اما تقریباً کثیرالتألیف... و ۱۰ اثر از او به جای مانده است. شگفت آن است که نامی از او در هیچ یک از تذکره‌های سده سیزدهم و چهارم دیده نمی‌شود تا جایی که در فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی هم عبارت «متأسفانه به شرح حال ناظم دست نیازیدیم» آمده است» (خیالی اصفهانی، مقدمه مصحح، ۱۳۹۳: ۹) طبق یافته‌های مصحح منظومه طریق النجات که تمام تذکره‌های موجود و در دسترس مربوط به قرن ۱۳ و ۱۴ را از نظر گذرانده و ۲۵ تذکره و نیز منابع تاریخ ادبیات و فرهنگ‌نامه‌های شاعران را جست‌وجو کرده، هیچ‌جا از زندگی و احوالات این شاعر عارف مسلک شیعی سخنی به میان نیامده است (همان). شاید به دلیل اینکه «او فردی است که زیر بار منت احدی نبوده و از اکابر و سلاطین دری بر رخ نگشوده است... مناعت طبع، برکنار بودن از هیاهوی شاعران مداح درباری و روحیه گوشه‌گیری وی، باعث شده که حتی بزرگ‌ترین تذکره‌نویس این دوره یعنی رضاقلی خان هدایت، نامی از او به صراحت در آثارش نیاورد» (همان: ۷) تنها جایی که اندک اطلاعاتی از خود ثبت کرده در ترقیمه نصایح الصالحین است که: «اقل الشعراء و السالکین طالب‌الدین محمدحسین المتخلص به خیالی». خیالی افزون بر کتاب نصایح الصالحین در ترقیمه دیوان اشعارش که در زمان ناصرالدین شاه سروده شده، نسب خود را این گونه بیان کرده است: «اللهم اغفر لحسین بن رمضان علی بن زین العابدین غفر الله لهم...» (همان: ۱۱).

۱-۱. ضرورت و شیوه پژوهش

لازمه سخن گفتن از میراث ادبی شیعه، توجه به نمونه‌های شاخص و تاثیرگذاری است که در طول قرن‌ها به دست توانای شاعران و ادیبان سروده شده، ولی لایه‌لای نسخه‌های ناشناخته به کنجی افتاده است. این آثار که در گونه‌های مختلف ادبی شایسته دسته‌بندی است، چنان قابلیت‌ی دارد که با تحقیقات جامع و هدفمند، رونق و غنای افزون‌تری به میراث ادبی شیعی ببخشد. به‌عنوان مثال، میرزا عبدالله افندی از کتاب‌شناسان برجسته عصر صفوی معتقد است که شیخ حسن کاشی، علامه حلی و محقق کرکی در تشیع ایران نقش بارزی داشتند (کاشی، ۱۳۸۸: ۷) از میان این سه تن «شیخ حسن کاشی شاعری است برجسته که تمام ذوق و هنر خود را در سرایش اشعار در ستایش امیرمومنان (علیه‌السلام) سپری کرده است. این شاعر در عصری وارد میدان ادب شیعی شد که سلطان محمد خدابنده نیز تمایل شیعی خود را آشکار کرده و نیازمند آن بود تا عالمان و ادیبان در دو بخش فقه و ادب به کمک وی بشتابند» (همان). از قرن نهم و دهم به بعد جنب و جوش عظیمی در خلق و ارائه آثار شیعی پیدا می‌شود که امروز ضرورت دارد پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام شود. با چنین پژوهش‌هایی می‌توان حلقه واسطه مستحکمی بین معارف مذهب تشیع و ادبیات شیعی گذشته و امروز برقرار کرد. از این رو، با درک ضرورت و اهمیت معرفی آثار شاخص ادبیات شیعی به سراغ منظومه شاعری شیعی تبار و خوش‌سخن به نام ابوطالب محمدحسین خیالی اصفهانی از شاعران قرن سیزدهم رفتیم تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با درنگ در موضوعات گوناگون این منظومه، آن را معرفی، توصیف و تحلیل کنیم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات معطوف به شعر شیعی و تاریخچه آن بسیار پراکنده و انگشت‌شمار است. از محققان تراز اول که آغازگر سلسله تحقیقات معتبری در این حوزه بوده‌اند، می‌توان به آئینه‌وند، مختاری و شیخ رئیس کرمانی اشاره کرد که اشعار شاعران مطرح صدر اسلام را جمع‌آوری و فقط شرح لغوی و معنایی کرده‌اند. آئینه‌وند (۱۳۵۹) با مبنا قرار

دادن موضوع ادبیات متعهد شیعی کوشیده است شعر ۱۰ شاعر اصلی و چند شاعر دیگر با عنوان «شیرزنان سخنور» را از قرن‌های نخستین اسلام یعنی سال ۶۹ هجری تا آغاز قرن چهارم با ذکر زندگی و منزلت شاعران و گزینش و ترجمه اشعارشان معرفی کند. مختاری (۱۳۸۴) نیز با الگوگیری از کتاب آئینه‌وند، به تاریخ و تحلیل اشعار شاعران برجسته شیعه پرداخته که به‌نوعی تعداد شاعران بیشتری را مد نظر قرار داده است. شیخ رئیس کرمانی (۱۳۸۸) حوزه تحقیق خود را به شعر شیعی و شاعران شیعه عصر اول عباسی با توضیح مفردات و مرکبات متنی متمرکز کرده است تا مواضع فکری شیعه را در متن اشعار نشان دهد. این آثار بیشتر به معرفی، ارائه و ترجمه اشعار پرداخته‌اند تا مخاطبان شناخت کافی از طلیعه‌داران و پیشگامان شعر شیعی به دست آورند. از سوی دیگر، امروزه به مدد پژوهش‌های روشمندی که در گونه ادبی «ولایت‌نامه» انجام شده و نسبت به آثار گذشتگان، ارزش تحقیقی در خوری دارد، می‌توان امیدوار بود که آثار غنی ادبیات شیعه به مطالعه دقیق و روشمند گرفته شود. از آن جمله می‌توان به کفاش (۱۳۹۴) اشاره کرد که با بررسی ولایت‌نامه به‌عنوان یک گونه خاص شیعی در قرن نهم تلاش می‌کند به رابطه این گونه ادبی با گفتمان‌سازی شاعران قرن نهم بپردازد. همچنین نادعلی زاده (۱۳۹۴) و بزرگ بیگدلی و کرمی (۱۳۹۸) گونه‌شناسی شعر شیعی و نیز گونه ادبی «ولایت‌نامه» را به لحاظ تاریخی، محتوایی و ساختاری بررسی کرده‌اند تا ولایت‌نامه را به‌عنوان یک نوع ادبی پیشنهاد و گونه‌شناسی کنند. با این حال در شمار گونه ادبی «ولایت‌نامه»، از منظومه درخشان طریق النجات، خیالی اصفهانی غفلت شده و جای دریغ است که پس از تصحیح و چاپ این اثر (چرمگی عمرانی، ۱۳۹۳) و نیز تصحیح دیوان خیالی اصفهانی (حیدریان، ۱۳۹۵) و سپس تصحیح مثنوی خیبرنامه (سادات بحرینی، ۱۳۹۶) حتی یک اثر پژوهشی درباره این شاعر و آثارش انجام نیافته و فاقد هر گونه پیشینه پژوهشی است. امید است این مقاله به‌عنوان نخستین اثر پژوهشی، آغازگر پژوهش‌هایی در خور به منظور شناسایی، معرفی و بحث و تبادل آرا درباره این شاعر و منظومه ارزشمند و شایان توجه طریق النجات باشد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. شکل‌گیری شعر شیعی

شُرایش شعر شیعی و اساس شکل‌گیری آن در دوره‌های مختلف تاریخی، معلول حوادث سیاسی اجتماعی عصر خود بوده و با تمام محدودیت‌ها به شکوفایی رسیده و حوادث زمانه را بازتاب داده است. از این میان «عصر اول عباسی» (از سقوط بنی امیه در سال ۱۳۲ قمری تا آغاز خلافت متوکل در سال ۲۳۲ قمری از دوران‌های مصیبت‌بار تاریخ شیعه است و در آن زمان، لب به مدح و ثنای اهل بیت علیهم‌السلام گشودن و دفاع از حریم آنان کردن و بر غاصبان و ظالمان تاختن، کار آسانی نبوده است) (شیخ الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۹). در چنین فضایی است که «مردم خراسان طالب استقلال و پایان یافتن برتری عرب بودند و هر گروهی رسیدن به این آرزوها را از راه جداگانه‌ای می‌جستند. اهل قلم و اندیشه هم هر یک بیان‌کننده مسیر فکری جداگانه‌ای بودند. ناحیه مرو از همان آغاز ورود مسلمانان از مراکز ناراضیان بود و نفرت از اعراب بنی‌امیه و بنی‌عباس ریشه‌های کهن داشت و به دلایل مختلف تمایل به تشیع فراوان بود» (ریاحی، ۱۳۷۵: ۲۷). فردوسی با سرودن شاهنامه، کاخ بلند حماسه ملی ایران را برافراشت و روزگاران سرافرازی ملی را به یاد ایرانیان می‌آورد. کسایی نیز با بیان مناقب و مصائب خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که هدف آزار و ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس قرار گرفته بودند، همدردی مردم ایران را با آن خاندان پاک باز می‌گوید و نفرت عمومی به خلیفگان بغداد را دامن می‌زند (همان: ۲۹).

گونه ادبی سوگنامه را هم در این حوزه می‌توان بررسی کرد و خاستگاه اصلی آن به نوعی واکنش سیاسی اجتماعی برمی‌گردد و تاریخچه آن نشان می‌دهد «سنت سوگنامه‌سرایی در فرهنگ ایرانی مردم خراسان و ماوراءالنهر سابقه دیرپایی داشت و از داستان‌های ملی و اساطیر باستانی سرچشمه می‌گرفت» (همان: ۳۷) در این میان کسانی نخستین شاعر مرثیه‌سرای مذهبی به زبان فارسی است که قصیده او کهن‌ترین سوگنامه کربلا قلمداد می‌شود.

درنگ در دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات شیعه ما را به این حقیقت سوق می‌دهد که شکل‌گیری اساسی و قوام‌پایدار شعر شیعی را می‌توان به دوره ایلخانان (۶۴۵-۷۴۴ ق.) نسبت داد؛ همچنان که تحقیقات نشان می‌دهد «پس از سقوط بغداد، در زمان حکومت پادشاهان غیرمسلمان مغول، شیعیان توانستند با تکیه بر تسامح مذهبی آن‌ها، شرایط فراهم آمده پیش از سقوط بغداد را حفظ کنند و در پرتو آزادی عمل به دست آورده، به تبلیغ اندیشه‌های خود بپردازند» (جعفریان، ۱۳۸۸: ۷۱۰) این مقطع تاریخ ایران آبستن تغییرات و تحولات مهمی از نظر مذهب تشیع است، به‌طوری که «با وجود آنکه دولت تیموری از رسمیت مذهب تسنن دفاع می‌کرد، اندک اندک مذهب شیعه رو به قدرت می‌نهاد و برخلاف علاقه‌ای که حکومت تیموری به مذهب ابوحنیفه نشان می‌داد، تشیع از فرصت‌های ذی‌قیمتی که در قرن‌های هفتم و هشتم فراهم آمده بود، استفاده کرد. سادات و منسوبان به خاندان رسالت و ولایت مورد احترام بودند و در تزکات تیموری به برتری مرتبه آل محمد (علیهم‌السلام) از جمیع مراتب اشارت رفته بود. شیعه از این فرصت برای نشر عقاید خود استفاده کرد و بر منابر، خطبه به نام دوازده امام (علیهم‌السلام) خواندند و اسامی خلفای راشدین را از منبرها حذف کردند» (صفا، ۱۳۷۹: ۳۵) این مقدار آزادی عمل در مقایسه با دوره‌های تاریخی خفقان‌آمیز گذشته، کافی بود تا زمینه مناسبی برای هنرنمایی شاعران در گونه «ولایت‌نامه» سُرایی آماده شود. همچنان که می‌توان پیش‌بینی کرد «در متن‌های ادبی و تاریخی این دوره از این گونه کشاکش‌های لفظی و تبلیغی نشانه‌های فراوانی راه یافته و مشهود است. ذکر مناقب آل رسول (علیهم‌السلام) و ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) در اشعار این عهد امری رایج است و نه تنها شاعران و گویندگان و نویسندگان شیعی بلکه حتی سخنوران و سخن‌سرایانی از مذاهب اهل سنت مانند عبدالرحمان جامی هم از اظهار احترام و ارادت نسبت به اهل بیت خودداری نداشتند» (همان: ۳۶)

۲-۲. تولی و تبری

بیان معارف و مراتب والای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار، طی قرن‌ها به سنت ادبی تثبیت شده شاعران و سخنوران متعهد شیعه تبدیل شده است. با همه بی‌مهری‌ها و بی‌اعتنایی‌های منتقدان عرب زبان، این سنت اساساً خاستگاه حق‌طلبانه و اعتراض‌جویانه داشته و با ادای

احترام و ابراز مودت و تولی به پیشگاه بزرگان دین و مذهب و نیز اظهار تبرّی از غاصبان و ظالمان زمان سروده می‌شده است. شاعران شیعه در فحای کلام خود، زمینه فراخی برای انعکاس و بازگویی اقوال، احادیث، معجزات، کرامات و بیان دیدگاه‌های دینی خود ایجاد می‌کنند. از این رو برخی معتقدند «در تاریخ اسلام، شیعه به دو صفت ممتاز و به دو عاطفه مشهور بوده است. آن دو صفت که پیوسته شیعه را در توفان‌های حوادث نلغزانده و از پای نیفکنده است، عصیان است و اطاعت و آن دو عاطفه که شیعه را در موضع گیری اعتقادی سیاسی، نیکوترین مددکار بوده است، تولی است و تبرّی. عصیان شیعه همیشه متوجه ائمه کفر و جور و غاصبان و ناصالحان است» (آئینه‌وند، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹) دو صفت عصیان و اطاعت و دو عاطفه تولی و تبرّی چهارچوب فکری منظومه‌های ادبی شیعه را ترسیم می‌کند و نوعی احساس تعهد اجتماعی را انتقال می‌دهد که از آن با عنوان «ادبیات متعهد» یاد می‌شود. شاعرانی مثل فرزدق، کمیت، دعبل، دیک الجن، سید حمیری، مهیار دیلمی، سید رضی و ابوتمام پایه‌گذار آن هستند و «به اقرار ادیب بزرگ عرب، جاحظ اولین بار شاعران شیعه بودند که تعهد را پذیرفتند و ادب متعهد را پی‌ریختند» (همان، ج ۱: ۸). همین چهارچوب فکری شاعران متعهد شیعی بود که طی قرن‌های بعدی مبنای الهام‌بخش بسیاری از شاعران در پرورش معانی، مفاهیم و مضامین ادبی قرار گرفت.

۲-۳. حقانیت امامت شیعه

عمده‌ترین مفاهیمی که در اشعار شاعران اولیه مشهود است، تاکید بر استمرار امامت شیعه و حقانیت آن است؛ ادبیات شیعی مجال مغتنمی است برای حقیقت‌جویان و بیدار کردن ذهن و ضمیر کسانی که وقایع و حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام را پیش چشم دارند. منشأ اصلی این گونه ادبی، باورهایی برگرفته از قرآن است همچنان که «دعوت روحی و یاری دین که به وسیله شعر انجام می‌گرفت و از تایید قرآن و حدیث هم برخوردار بود، در زمان ائمه طاهرین نیز چون زمان رسول خدا برقرار بود و مردم و مجتمع آن روز از شعر شعرای اهل بیت، قلوب‌شان مسخر می‌شد و حقایق مکتب با جان‌شان آمیخته می‌گشت، پیوسته شعرا از نقاط دور با حقایق مذهبی و چکامه‌های دینی خود به خدمت ائمه (علیهم‌السلام) مشرف می‌شدند و مورد تفقد و اکرام ایشان واقع می‌شدند» (امینی، ج ۳

۳۵؛ شعر و شاعری در مکتب شعری شاعران شیعی با استناد به آیه «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (الشعراء، ۲۲۴) رویکرد متعهدانه می‌یابد و مثنوی و مسیری مستقل می‌پیماید. در شعر شیعی عواطف و احساسات شخصی و محدود به عقاید و باورهای دینی و مذهبی تغییر ماهیت می‌دهد. از طرف دیگر، شعر شیعی در بطن خود فریادگر نوعی طغیان و اعتراض عقیدتی، سیاسی و اجتماعی به حاکمیت جباران و غاصبان است که خفقان سیاسی اجتماعی خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس را به لرزه در می‌آورد. در واقع، اقلیت شیعه زیر بار سیاست‌های تحقیرآمیز و تبعیض‌نژادی حاکمیت زمان نمی‌رفته و «قیام‌ها و نهضت‌های متعدد مذهبی و سیاسی، جلوه‌های گونه‌گون خشم و نفرت ایرانیان بود. در چنین جوش و خروش احساسات و افکار، طبیعی است که گروه‌هایی از راه همدردی با خاندان علی (علیه السلام) که هدف ظلم خلفای دمشق و بغداد قرار گرفته بودند، به تشیع تمایل یافته باشند» (ریاحی، ۱۳۷۸: ۲۸-۲۹) در چنین فضای تنگ و تاریکی و حساسی است که شعر شیعی، تیغ تند اعتراض خود را متوجه حاکمان زمان می‌کند و رسالت نقد و روشننگری را بر صدر می‌نشانند و مدح و چاپلوسی مزورانه را نکوهش می‌کند.

۳. ساختار کتاب

طریق النجات منظومه‌ای دینی است در مدح و ثنای چهارده معصوم (علیهم السلام) که در گونه ادبی «ولایت‌نامه» می‌گنجد. شاعر در بیتی به وجه تسمیه کتاب نیز اشاره می‌کند:

ز مهر نبی سرور کاینات مسمی بشد بر طریق النجات

(خیالی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۴۰؛ ب ۶۲)^۱

کتاب طریق النجات با «فی النعت النبوی» آغاز می‌شود و به ترتیب نعت حضرت علی (علیه السلام) سپس دختر گرامی پیامبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، امام حسن (علیه السلام) و دیگر امامان شیعه را تا امام دوازدهم (علیه السلام) با عنوان «فی مدح حجت بن الحسن القائم بالحق صاحب الزمان (علیه السلام)» به جا می‌آورد. شاعر در هر باب، ساقی‌نامه‌ای در حکم براعت استهلال سروده

۱. ارجاعات ابیات و شواهد شعری بعدی با همین مشخصات و به شماره بیت کتاب خواهد بود.

و با تعبیر عرفانی و شاعرانه به استقبال ذکر خصال ممتاز و والای چهارده معصوم (علیهم‌السلام) رفته است. گنجاندن ساقی‌نامه در گونه ولایت‌نامه‌سرایی را باید از اختصاصات سبکی این شاعر برشمرد که به طرز دلنشین، جذاب و در حال و هوای عرفانی و شورانگیز سروده است. نکته مهم و ارزشمند درباره محتوای کتاب، اطلاعات تاریخی و دینی شاعر است که با استناد به احادیث و روایان «تقریباً ۷۰ تا ۸۰ اشاره تلمیحی و تاریخی را در ضمن مدح ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به نظم کشیده است. شاعر در ضمن مدح هر یک از ائمه اطهار، دو سه کرامت و داستان از زندگی پربرکت آنان آورده است» (همان: مقدمه مصحح، ۱۵-۱۶).

۳-۱. تحمیدیه

تحمیدیه کتاب و نخستین ابیات طبق سنت مرسوم، یادکرد خداوند متعال است و صفاتی که جلوه‌های جلال و جمال را می‌ستاید. شاعر نگاه جمال‌شناختی خلاقانه‌ای به آفرینش الهی دارد و در همه این پدیده‌ها بر قدرت لایزال حق اشاره می‌کند:

به نام خداوند ارض و سپهر	که قرصی است از خوان او ماه و مهر
خدایی که از حرف کن عالمین	بنا کرد با این هم زیب و زین
به امرش دو قطره دو جا چون فتد	دو زینده گوهر نمایان شود
یکی قطره در بطن سازد بشر	یکی را به دریا نماید گوهر
یکی حبه‌ای را به خاک نژند	تنومند نخلی نماید بلند
وزان میوه‌ها همچو آب حیات	رساند به کام هم کاینات
ز یک قطره آب پلید کثیف	عیان می‌کند دلربایی ظریف
قدی بهتر از سرو نازش دهد	دو گیسوی عنبر طرازش دهد

(خیالی اصفهانی: ب ۱-۸)

شاعر در خاتمه تحمیدیه خود با تعبیری فروتنانه، به انگیزه تالیف خود اشاره می‌کند:

و بعد این کمین بنده پرگناه	«خیالی» گدای شه دین‌پناه
به سر اشتیاق فزون داشتم	به دل تخم امید می‌کاشتم
پی نور بخشیدن هر بصر	ز مدح امامان اثنی عشر
نگارم کتابی که تا فیض آن	شود عاید اکثری دوستان

(همان: ب ۴۸-۵۱)

۳-۲. نعت پیامبر ﷺ

ساقی‌نامه‌ای که شاعر در مقدمه نعت پیامبر ﷺ می‌سراید، مخاطب را به سیر در عالم معنا و سرمست شدن از «خُم محبت» و «میخانه معنوی» دعوت می‌کند و سپس پیامبر خاتم را به سه صفت ممتاز می‌ستاید؛ یاور درماندگان و ضعیفان، راهنما، نجات‌بخش:

ایا ساقی گلرخ خوش‌خرام	ز خُم محبت نما می به جام
ز میخانه معنوی می بیار	به مجلس تو جام پیایی بیار...
به این دلشده، جود بی‌حد نما	به من راه آیین احمد نما
رسولی که موجود، هر دو جهان	شد از بهر او آشکار و نهان
مقرب‌تر از انبیای سلف	مقدم ز کروبیان خلف
به هر ورطه بر دوستداران معین	مغیث همه، صادق و راستین
به بیچارگان چاره از فضل و جود	به درماندگان یار نوم و قعود

(ب ۶۶-۶۷ و ۱۲۰-۱۲۵)

میلاد پیامبر و اعجازهای خاص آن حضرت مانند: شکستن طاق ایوان کسری (ب۱۳۳)، بر زمین افتادن بت‌ها (۱۳۵)، جاری شدن آب در وادی سماوه (ب۱۳۶) خشک شدن آب دریاچه ساوه (ب۱۳۷)، خاموش شدن شعله‌های آتشکده فارس (ب۱۴۰) نکات اعجاب‌انگیزی است که شاعر با ابیات تاثیرگذار توصیف کرده است. درواقع، معجزات پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) به منظور تصدیق و تائید سخن و ادعایشان است. به همین دلیل کسانی معجزه را اقوی از نص دانسته‌اند (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۱۸)

فضایل و مکارم بی‌شمار پیامبر ﷺ تا بدانجا می‌رسد که:

خلیل خدا با همه عز و شأن	چنین خواست از خالق انس و جان
که از جمله دوستدار نبی	حسابش کند کردگار نبی
چه گویم از آن منبع فضل و جود	که همتای او غیر حیدر نبود
زبانم ز اعجاز او عاجز است	که او را افزون از شمر معجز است

(ب۱۷۹-۱۸۲)

معراج (ب۱۸۳-۱۹۸)، سایه نداشتن (۱۹۹-۲۰۶)، شق القمر (ب۲۰۸-۲۰۹)، شهادت دادن سنگ‌ریزه‌ها در دست (ب۲۱۰) از جمله تلمیحاتی است که شاعر در توصیف فضایل پیامبر ﷺ می‌آورد. نکته جالب توجه، ابیاتی است که شاعر از قول پیامبر ﷺ درباره ولایت علی (علیه‌السلام) به نقل از روای پاک دین، ابن عباس بیان می‌کند:

روایت کند راوی پاک دین	که پرسیدم از آن رسول امین
در آن بزم با حضرت کردگار	چه گفتی، چنین گفت آن نامدار
که فرمود خلاق کون و مکان	علی را وصی تو کردم، بدان

(ب۲۳۴-۲۳۶)

گرامی‌تر از ابن عمّم، علی
 علی مقتدای همه انس و جان
 علی بهترین همه کائنات
 علی سرّ و هم شیر پروردگار
 تو را گر بود با علی سینه صاف
 نباشد وصیّی به خیل وصی...
 علی خصم مجموع گردنکشان
 علی هادی جمله ممکنات
 علی یاور جمله دوستدار
 بکن با گروه مخالف خلاف

(ب ۲۷۴ و ۲۸۱-۲۸۴)

عظمت وجودی و مقام عبودیت علی (علیه‌السلام) چنان رفیع است که خیل ملائک را به تعظیم وامی‌دارد:

نظر چون نمودند خیل ملک
 بدیدند چون قرب و طاعات آن
 سبب این بود مانده سرشان به پیش
 به سوی پسر عم تو از فلک
 خداجویی و هم عبادات آن
 ز آرم، ای افتخار قریش

(ب ۲۵۰-۲۵۲)

مسئله خلافت و چالش جانشینی پس از رحلت پیامبر ﷺ به تعبیر شاعر «تلبیس ابلیس» بوده است:

ز آدم رخ خویشتن تافتند
 نگیں سلیمان به صدرنگ وریو
 به تلبیس ابلیس بشتافتند
 سپردند آن قوم ملعون به دیو

(ب ۳۲۰-۳۲۱)

۳-۳. مدح علی (علیه‌السلام)

ساقی‌نامه شاعر قبل از مدح و ثنای علی (علیه‌السلام)، ابیات شورانگیزی است که وجد و سرور درونی او را بازتاب می‌دهد و مقدمه‌چینی برای ابراز ارادت به «شاه نجف» است:

مرا سینه از عشق پرسوز کن	شب تیره‌ام بهتر از روز کن
چه گر رندم و می‌کش و ناخلف	من و باده صاف و شاه نجف
شهی کز طفیلش خدا آفرید	زمین و سموات عرش مجید
وصی نبی سید اوصیا	امام خلایق ولی خدا

(ب ۳۷۱-۳۷۴)

۳-۳-۱. حدیث «هل أتى»

حدیث «هل أتى» از موضوعاتی است که شاعر برای تفهیم مراتب والای حضرت علی (علیه‌السلام) نقل می‌کند. اهمیت سوره «انسان» که با نام‌های «دهر»، «هل أتى» و «ابرار» هم شناخته می‌شود، به این خاطر است که در شأن امیرالمومنین (علیه‌السلام) و اهل بیت ایشان نازل شده است. همچنان که در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده: مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ وَ مَا نَزَلَتْ آيَةُ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ وَ مَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَهُ وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدْحَ بِهَا غَيْرُهُ (بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷: ۲۱۰).^۱

علی آنکه آمد بر او «هل أتى»	به او گفت ز ابن عمم مصطفی
مترس و بگونی کم و نی زیاد	تورا چند باشد فضیلت به یاد

(ب ۴۰۱-۴۰۲)

۱. ای گروه مردم! این مرد از همه شما مرا بیشتر یاری داده است و شایسته‌ترین مردم در رعایت حق خدای عزوجل و من بوده و هست و خداوند و من از او خشنودیم و هیچ آیه‌ای که در آن بیان رضایت حق باشد نازل نشده است، مگر اینکه درباره اوست.

۳-۳-۲. مسخ شدن شامی

شاعر موضوع سبّ علی (علیه السلام) و مسخ شدن آن شامی را این گونه توصیف می‌کند:

بفرمود بر ابن عمم علی	تو دشنام ای خصم دون می‌دهی
جواب نبی سید دین پناه	بگفتا نعم شامی رو سیاه
برآورد دست، افتخار حجاز	به درگاه یزدان به عجز و نیاز
تضرع‌کنان خواند قیوم را	که یارب نما مسخ این شوم را
همان لحظه آن شامی بی‌حیا	سگی گشت و دادندش در حجره جا

(ب ۴۵۹-۴۶۳)

۳-۳-۳. علی (علیه السلام)؛ دروازه شهر علم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ز علمش بفرمود فخر رُسل	نبی شاه مامور بر امر «قل»
که من شهر علمم، علی باب من	بود افضل از جمله اصحاب من
کسی کو بود باب علم نبی	کجا و مر آن هر سه تن اجنبی

(ب ۴۹۳-۴۹۵)

جنگاوری و پهلوانی (ب ۴۹۸-۵۱۴) و واقعه خیبر (ب ۵۱۵-۵۸۲) از موضوعات دیگری است که شاعر به آن اشاره کرده است.

۳-۴. مدح حضرت فاطمه (علیها السلام)

شاعر مدح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را با ساقی‌نامه‌ای می‌آغازد که مصادف با عید نوروز و شکوفایی طبیعت است. او پس از توصیف زیبایی‌های طبیعت از ساقی مدد می‌جوید:

ایا ساقی از غم مرا وارهان	بود تا بیوشم دو چشم از جهان
ز کوثر مرا جام پر باده کن	دلم را ز نقش هوس ساده کن
تهی تا دل از فکر دنیا کنم	خوش و شادمان مدح زهرا کنم
چه گر لالم از مدحت فاطمه	کشم خجلت از حضرت فاطمه
کسی را که باشد پدر مصطفی	بود زوج پاکش ولی خدا

(ب ۷۳۸-۷۴۲)

عرصه بهشت و توصیف زیبایی‌های دلکش بهشتی و گفت‌وگویی که میان حضرت آدم و جبرئیل امین درمی‌گیرد، پیش‌زمینه‌ای است برای توصیف شخصیت پرفروغ دختر پیامبر:

ز یاقوت آدم یکی تخت دید	وز آن دید خود را نکوبخت دید
سریری به خوبی چو تابنده مهر	کواکب به دورش همه نیک‌چهر
بر آن تخت آن مهتر کامیاب	یکی دختری دید به ز آفتاب
به فرقش یکی افسر نور بود	کز آن نور افلاک معمور بود

(ب ۷۷۸-۷۸۱)

گفت‌وگوی آدم با جبرئیل به آنجا می‌رسد که از طوق نورانی گردن دختر پیامبر اسلام می‌پرسد. جبرئیل در پاسخ، آن را به «نور امامت» تعبیر می‌کند:

پی پاسخ بوالبشر این‌چنین	به آداب پس جبرئیل امین
به او گفت نور امامت بود	ز شاه سریر ولایت بود
امیر همه مومنان، شیر حق	ولی حق و نیز شمشیر حق
مر آن شاه با جاه عالی جناب	قرین است زوج مر این کامیاب

(ب ۷۹۸-۸۰۱)

گوشواره‌های آن حضرت و رنگ زرد و سرخ آن‌ها موضوع پرسش حضرت آدم (علیه‌السلام) است که جبرئیل آن را به شهادت امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) به دست امت بی‌وفا تفسیرش می‌کند:

شنو تا کنم وصف دو گوشوار	که بینی به گوش مر این تاجدار
بوند این دو فرزند آن نور عین	یکی را حسن نام و دیگر حسین...
بدان سرّ آن گوشوار یمین	که سبز است در رنگ باشد همین
مهمین قرت العین فخر زمن	که در حلم و در نام باشد حسن
در آخر زمان، امت بی‌وفا	مر او را خوراند زهر جفا
از آن زهر، رنگش شود سبز فام	به فردوس اعلی نماید مقام
دگر سرّ آن رنگ سرخ است این	یکی نیز ز اولاد سلطان دین
مر او را بود نام نامی حسین	عزیز و گرامی است در نشأتین
ولی امت بی‌حیا، تشنه لب	ببرند سر از تنش با تعب
نمایند ایذا به آن رهنمون	تن بی‌سر افتد به گرداب خون
سبب این بود کان یکی گوشوار	بود سرخ، ای افتخار کبار

(ب ۸۰۵-۸۰۶ و ۸۱۷-۸۲۵)

۳-۵. مدح امام حسن (علیه‌السلام)؛ مظلوم مسموم

فصل بهار و ماه اردیبهشت بهترین زمانی است که خیالی اصفهانی، ساقی‌نامه‌پرشور و طرب‌انگیزی را می‌سراید و از حیل‌ها و خدعه‌های روزگار نیز سخن می‌گوید و سپس به مدح امام حسن (علیه‌السلام) می‌رسد:

الا ساقی! ای نوربخش دلم
می‌ام ده تا سرخوش و شادمان
حسن هادی شاهراه یقین
چو رهبر تویی جانب منزلم
به مدح حسن برگشایم زبان
حسن دین حق راست حبل‌المتین
(ب ۸۹۲-۸۹۴)

آگاه بودن به زبان پرندگان (ب ۹۰۴-۹۱۹)، توصیه پیامبر به امام حسن (علیه‌السلام) برای بیان سِرّ ضمیر آن مرد اعرابی و اسلام آوردن او و بیان شهادتین (ب ۹۲۱-۹۹۹) سیاست مواجههٔ امام حسن در برابر جور و جفای معاویه (ب ۱۰۲۰-۱۰۴۰) از مهم‌ترین موضوعاتی است که در مدح امام حسن (علیه‌السلام) جلب توجه می‌کند.

۳-۶. امام حسین (علیه‌السلام)؛ غریب مقتول

ساقی‌نامهٔ شاعر برای امام حسین (علیه‌السلام) حال و هوای پردرد و رنجی دارد. لشکر غم‌بر شهر دل هجوم آورده و قلبش را شکسته است. به غرّه نشدن بر جاه و مال دنیا هشدار می‌دهد و از دنیای غدار گلایه‌ها دارد. انبیا و اولیا را سالکان راه می‌داند که همگی جام بلا کشیده‌اند:

ولی هیچ یک همچو سلطان دین
صبوری نکردند اندر بلا
شود جان امت فدای حسین
چو نام حسین آیدم بر زبان
جفایی که آن پادشاه شهید
اگر شرح او را همه انس و جان
کجا می‌نویسند از صد یکی
حسین علی، سید راستین
نکردند مال و سر و جان، فدا
سر جملگی خاک پای حسین
شود تیره در پیش چشم جهان
ز قوم یزید ستمگر کشید
به سرعت نویسند روز و شبان
به تحریر ناید مگر اندکی
(ب ۱۱۲۴-۱۱۳۲)

واقعۀ عظیم کربلا و محنت اهل بیت و اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) موضوع جان‌گذاری است که شاعر شوریده‌دل با تأثرات عمیق و شدید روحی که دارد جزء به جزء آن را با سوز و حرارت تمام به رشته نظم کشیده است تا آنجا که پس از شهادت همه اصحاب و یاران، تنهایی و غریبی امام حسین (علیه‌السلام) را فوق طاقت تقریر و تاب تحریر توصیف می‌کند:

شہ دین چو از پشت زین اوفتاد	تو گفتی که عرش برین اوفتاد
ببستند پس قوم با شور و شر	به قتل شهنشاه خوبان کمر
مرا در شهادت زبان است لال	که گویم چه شد حال آن خوش خصال
به مخلوق احوال آن کامیاب	بسی هست روشن تر از آفتاب
جفایی که از ناکسان پلید	به آن مقتدای دو عالم رسید
نه تنهال تشنه از تن سرش	بریدند، خستند هم پیکرش
به رویش نه تنها ببستند آب	تنش را فکندند در آفتاب
نمودند عورات او را اسیر	نمودند اطفال او دستگیر
پریشان نمودند احوال او	به تاراج بردند اموال او
چه گویم که طاقت به تقریر نیست	قلم را دگر تاب تحریر نیست

(ب ۱۵۵۱-۱۵۶۰)

۳-۷. علی بن حسین؛ سید الساجدین (علیه‌السلام)

اندوه عمیق شاعر را می‌توان از ساقی‌نامه‌ای که برای امام سجاد (علیه‌السلام) سروده، درک کرد. او با مخاطب قرار دادن پیر روشن‌روان، در جست‌وجوی مرهمی است برای دل دوستان و از ساقی مدد می‌خواهد تا در وصف آن امامی سخن بگوید:

کنم مدح شاهی که اندر جهان	که مانند بلبل به هر بوستان
چهل سال بگریست یعقوب‌وار	ز داغ پدر آن امام کبار
ز هجر پدر افتخار عباد	نمی‌بود یک لمحّه در دهر، شاد
ز بس جهد می‌کرد در راه دین	ز بس سجده می‌کرد آن شاه دین
شب و روز می‌بود اندر تعب	بشد سید الساجدینش لقب
نداند کسی جز خدای احد	بود قدرش افزون‌تر از حصر و حد

(ب. ۱۶۰۶-۱۶۱۱)

دیدار و گفت‌وگوی امام سجاد (علیه‌السلام) و عبدالملک بن مروان را شاعر به نقل از امام محمد باقر (علیه‌السلام) بازگو و سخاوت آن حضرت را چنین توصیف می‌کند:

ولی خدا سید الساجدین	چو بشنید از پور مروان چنین
بگفت ای خدای جهان آفرین	ردا را بگسترد اندر زمین
چه قدر است ای حی‌روزی‌رسان	به این خس، نما حرمت دوستان
همان لحظه گردید پر از دُر	ردای مر آن پیشوای بشر
شدی خیره، می‌بود بس با اثر	چه دُری که از دید آن‌ها بصر
چنین حرمت ماست نزد خدا	به عبدالملک گفت آن پارسا

(ب. ۱۶۳۰-۱۶۳۵)

۳-۸. مدح امام محمد باقر (علیه‌السلام)

ساقی‌نامه سروده شده برای پنجمین امام شیعیان، با مدد گرفتن از باده عشق است و دست زدن به حبل‌المتین تا شمه‌ای از کمالات آن حضرت را بازگو کند. شاعر روایتی از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند تا معجزه نخل خشکیده را بگوید:

چوبیرون شد آن سید نیکخوی
به خشکیده نخلی رسید از قضا
پس از حمد فرمود او یک سخن
دگر نیز فرمود آن نیک‌بخت
به ما ده طعامی از آنچه پدید
چو فرمود این حرف، فخر بشر
بُدی آن رطب سرخ و زرد و از آن
برفتیم ما نیز همراه او
خداوند را گفت حمد و ثنا
که نشنیده بودم چو آن حرف من
به لفظ مبارک چنین با درخت
نموده است در تو خدای مجید
فرو ریخت از نخل خرما ی تَر
تناول بفرمود فخر جهان
(ب ۱۷۴۵-۱۷۵۱)

پرسش عباد مصری از امام باقر (علیه‌السلام) درباره حق مؤمن در نزد پروردگار نیز و معجزه حرکت کردن نخل به دستور آن حضرت نیز چنین است:

بفرمود در دفعه سیمین
که گر گوید آن مؤمن نیک‌بخت
به امر خداوند هر دو جهان
ز عباد مروی است چون شاه دین
یکی نخل می‌بود نزدیک ما
چو قدری ره آمد سوی مادرخت
که برگرد، ای نخل بر جای خویش
بود نزد حق، حق مؤمن چنین
بیا زود نزدیک من ای درخت
بیاید مر آن نخل در نزد آن
بفرمود در پاسخ من چنین
روان شد به فرموده مقتدا
اشارت بفرمود آن نیک‌بخت
روان گشت پس او به مأوای خویش
(ب ۱۷۶۲-۱۷۶۸)

زنده شدن آن جوان قبض روح شده اهل شام به فرمان امام باقر (علیه‌السلام) نیز از معجزات امام باقر (علیه‌السلام) ذکر شده است (ب ۱۷۶۹-۱۷۹۱)

۳-۹. مدح امام جعفر

سخن گفتن از رذایل اخلاقی مثل ریا، تکبر و زنگار گرفتن قلب در ساقی‌نامه این بخش، شاعر را به باده صاف کوثر رهنمون می‌کند:

خلاصی ز دونان ابتر بده	مرا باده صاف کوثر بده
مطیع مطیعان جعفر شوم	چو سرگرم از جام کوثر شوم
به صدق و به اخلاص چون بلبان	پی مدح صادق گشایم زبان

(ب ۱۸۲۵-۱۸۲۷)

روایتی از محمد سبط سلیمان به نقل از داوود رقی نقل می‌شود که معجزه شکافتن دریا و ظاهر شدن دریایی دیگر با آب خوشگوار سفید مثل برف را بیان می‌کند. همچنین پدید آمدن اسب‌هایی بی‌شمار در آسمان که امام پاسخ می‌دهد:

و اصحاب آن مهتر ارجمند...	بفرمود مجموع از قائم‌اند
به این مرکبان می‌شوی تو سوار	که باشی اگر یار آن شهریار
جوابش چنین داد آن مقتدا	دگر گفت نوشیم زین آب‌ها
بیاشامی این آب، ای کاردان	که باشی اگر شیعه ما بدان

(ب ۱۸۵۱ و ۱۸۵۴-۱۸۵۶)

به حرکت درآمدن ماهی نمک‌سود و جاری شدن آب (ب ۱۸۶۲-۱۸۶۸) تاریک شدن آفتاب به اراده آن حضرت (ب ۱۸۷۱-۱۸۷۹) سایه نداشتن آن حضرت (ب ۱۸۸۵-۱۸۹۰) از دیگر کرامات و معجزاتی است که بازگو شده است.

۳-۱۰. مدح موسی بن جعفر

ساقی‌نامه این بخش با کام تلخ و زهرین شاعر سروده شده است که از جور چرخ و وفق

مراد نگردیدن روزگار شکوه سر می‌دهد و از دنیا و مردمانش گریزان است:

که رو آورم سوی معبود خویش	مرا آن شرابی ده از جود خویش
کنم با دنی‌همتان کارزار	ز دنیا و اهلش نمایم فرار
که سرگرم از فضل ربّ غفور	دو پیمانه‌ای از شراب طهور
علیه الصلوات و علیه السلام	کنم مدح موسی، امام انام

(ب ۱۹۵۴-۱۹۵۵ و ۱۹۵۷-۱۹۵۸)

شاعر روایتی از هشام حکم^۱ نقل می‌کند که پس از وفات امام ششم، بر سر جانشینی آن حضرت مباحثه‌ای بین عبدالله و موسی بن جعفر علیه السلام درمی‌گیرد و برای اثبات جانشین برحق و ادعای امامت چنین تصمیم گرفته می‌شود:

پس عبدالله اولاد آن رهنما	به موسی بن جعفر نمود ادعا
بگفتا که اولاد مهتر منم	پس از باب بر خلق، رهبر منم
چوبشنید موسی از او این سخن	مر او را طلب کرد در انجمن
سپس هیزم و نفت از حد زیاد	بیندوخت جایی، امام عباد
بیفروخت پس آتش بی حساب	به عبدالله آن‌گاه گفت آن جناب
که گر صاحب این کرامت تویی	سزاوار تاج امامت تویی
به خود دادگر را مددکار کن	ید خویشان را در این نار کن

(ب ۱۹۶۱-۱۹۶۷)

امام موسی بن جعفر علیه السلام در این آزمون برای ادعای امامت است که ردای امامت بر تن می‌کند. از دیگر معجزات آن حضرت، زنده کردن گاویک زن گریان است که با خواندن دو رکعت نماز اتفاق می‌افتد و موجب شگفتی می‌شود (ب ۱۹۷۳-۱۹۸۴).

۱. هشام بن حکم از متکلم شیعی قرن دوم قمری و نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بود.

۳-۱۱. مدح علی بن موسی (علیه‌السلام)

تلخکامی شاعر در ساقی‌نامه این بخش نیز ادامه دارد و آرزوی فتوح خاطر و آبادانی دل از خدا طلب می‌کند. دست یاری او به عنوان «فقیر و غریب» به سوی درگاه الهی گشوده است تا حسرت از دلش زدوده شود:

که سرگرم چون بلبل بوستان به مدح رضا برگشایم زبان
بود تا ز مداحی آن امام نهم در ره راست مردانه گام
(ب. ۲۰۴۶-۲۰۴۷)

سه معجزه مهم از امام رضا (علیه‌السلام) موضوع سخن شاعر است. اولین معجزه به نقل از اباصلت هروی است که در حوالی «ده‌سرخ»^۱ اتفاق می‌افتد و آن جوشیدن چشمه‌ای است که یاران برای وضو در جست‌وجوی آب بودند.

نمودند اصحاب تازه وضوی از آن آب مجموع، بی گفت‌وگوی
ز اعجاز آن مهر گیتی‌فروز در آن جایگه هست، چشمه هنوز
(ب. ۲۰۶۱-۲۰۶۲)

معجزه دوم^۲ از شخصی به نام سهل بن زیاد نقل می‌شود که با مال و زر زیاد به نزد امام رضا (علیه‌السلام) می‌رود، ولی آن حضرت هیچ‌وقتی بر مال او نمی‌گذارد و آن شخص با خاطری غمگین شاهد صحنه‌ای است که امام ابریق و طشت از خادم طلب می‌کند و شگفت‌زده، از آورده خود شرمگین می‌شود:

۱. «تمیم بن عبد الله قرشی از ابو الصلت هروی نقل کرد: وقتی که علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) به سوی مأمون رهسپار شد در بین راه به قریه حمراء [ده‌سرخ] که رسید به آن جناب عرض شد: (هنگام) ظهر شده آیا نماز نمی‌خوانید؟ حضرت از مرکب فرود آمد و فرمود: آبی برایم بیاورید. گفتند: یابن رسول الله آبی با ما نیست. حضرت با دست خویش زمین را بسود. آبی پدید آمد که خود و اصحابش که با او بودند بدان وضو ساختند و آثار آن آب اکنون و تا این روزگار باقی است» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۰۲)

۲. در این باره رک: کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳.

به خادم بفرمود آن کامیاب به دستش ز ظرفی همی ریخت آب
مرا سوی آن ظرف بودی نظر برون می‌شد از منفذش آب زر
زر این قدر زان ریخت در جوف طشت که آن طشت پر از زرناب گشت
(ب. ۲۰۷۴-۲۰۷۶)

معجزه سوم از عماره زید و غلام همراه اوست که بیمار می‌شود و خواهش انگور می‌کند:

به اندیشه بودم که ناگه پیام بیاورد شخصی ز نزد امام
بگفتا که فرمود فخر عرب نموده است خواهش غلامت عنب
نظر زود اندر مقابل نما مر آن عقده خویش را حل نما
نمودم نظر چونکه در پیش روی بدیدم یکی بوستانی نکوی
(ب. ۲۰۸۸-۲۰۹۱)

۳-۱۲. مدح امام جواد

راه رضا پیشه گرفتن، از حُم محبت سیراب شدن، شهد کلام داشتن، به کامل رسیدن در جود و عطا، مست شدن از پیمانه عشق و ... تمنای خالصانه شاعر است که در ساقی‌نامه این بخش می‌آورد و به اصل سخن که مدح امام نهم است، می‌پردازد:

به جام طهوری مرا ساز شاد که گویم ثنای تقی و جواد
چه گر مدح آن افتخار کبار فزون است از حد و عدّ و شمار
(ب. ۲۱۵۷-۲۱۵۸)

توطئه چینی معتمد برای امام جواد در انجمن‌سازی و تهمت سیاسی خروج علیه حاکمیت و واداشتن مردمان به شهادت دروغ باعث غضب و نفرین آن حضرت می‌شود:

از آن قومِ دونِ خبیثِ عنید
چو آن کذب‌ها، قبلهٔ دین شنید
سوی درگه کبریا، دست‌ها
برآورد و با درد گفت ای خدا
مر این مردم بدرگ بی‌فروغ
ببستند نسبت به من این دروغ
چو آگاهی از زجر و ایدایشان
به‌زودی فراگیر از جایشان

(ب۲۱۷۷-۲۱۸۰)

این واقعه با توبه‌خواهی معتصم و دعای رفع بلا توسط امام جواد (علیه‌السلام) پایان می‌یابد.

۳-۱۳. مدح امام نقی (علیه‌السلام)

موعِد اَرَدِیْهَشْت، بار دیگر وجد و ذوق دیگری در کلام «خیالی اصفهانی» ایجاد کرده و ساقی‌نامهٔ این بخش بسیار سرخوشانه و طرب‌انگیز است.

بنوشم اگر آن زلال حیات
به هوش آورم جملهٔ کاینات
ز مستی به میخانه شور افکنم
به دل‌های یاران سرور افکنم
چو از بادهٔ عشق گردند مست
به دنیا و عقبی فشاندند دست
خدا نیز بر من دهد رونقی
سرایم چو بلبل ثنای نقی

(ب۲۲۵۸-۲۲۵۹ و ۲۲۶۲ و ۲۲۶۴)

مدح امام نقی (علیه‌السلام) با نقل سه معجزه از آن حضرت ادامه می‌یابد: کشف راز علت زرد شدن برگ درخت مورد (مورت)^۱ و کاسهٔ سر دفن شده در زیر درخت (ب۲۳۳۳-۲۳۴۷) خاموش شدن صدای پرنندگان هنگام سخن گفتن امام نقی (علیه‌السلام) در مجلس متوکل (ب۲۳۵۰-۲۳۶۰) واقعهٔ حبس کردن امام نقی (علیه‌السلام) و غیب‌گویی آن حضرت دربارهٔ زمان مرگ متوکل و آن مرد سعید شقی^۲ (ب۲۳۶۶-۲۳۹۲)

1. Myrtus

۲. شقی فطرتی بود، نامش سعید/ که در خانه‌اش بود، شاه رشید (ب۲۳۷۱)

۳-۱۴. مدح امام حسن عسکری (علیه‌السلام)

ساقی‌نامهٔ متناسب با این بخش با تعابیری مثل شبیخون آوردن «جیش غم» شروع می‌شود. شاعر به نقل از علی بن زید به معجزات و کرامات امام یازدهم به غیب‌گویی آن حضرت دربارهٔ وفات کنیزک اشاره می‌کند (ب۲۴۳۹-۲۴۵۱) روایت زید بن علی از جا گذاشتن ۵۰ دینار و تشخیص امام که آن ۵۰ دینار نزد برادر آن شخص بوده است (ب۲۴۵۳-۲۴۶۲) و نیز روایتی از داوود بن قاسم جعفری است دربارهٔ علایم ظهور حضرت قائم (علیه‌السلام) که می‌فرمایند:

نخستین بلندی مقصوره‌ها که باشد به کل مساجد به پا
به فرمان آن رهبر کامیاب نمایند مجموع آن‌ها خراب

(ب۲۴۶۷-۲۴۶۸)

در ذهن شخص از این تعبیر امام حسن (علیه‌السلام) پرسشی ایجاد می‌شود که آن حضرت چنین تفسیر می‌کنند:

بفرمود این است معنی آن چو اندیشه در دل نمودی بدان
چو از محدث و نیز از بدعت است خرابش کند چون به حق حجت است

(ب۲۴۷۲-۲۴۷۳)

۳-۱۵. مدح حجت بن الحسن، القائم بالحق صاحب الزمان (علیه‌السلام)

آخرین ساقی‌نامهٔ منظومهٔ «طریق النجات» بسیار جان‌فزا و دلگشاست. شاعر از الطاف غیبی ساقی به وجد آمده است:

ز الطاف ساقی دلم بی غم است اگر جان به راهش سپارم کم است
چنانم ز جام می شوق، مست که یک جانیارم ز شادی نشست

(ب ۲۴۹۸-۲۴۹۹)

شاعر در ادامه ابیات ساقی‌نامه از اوضاع زمانه و ابنای دوران سخت گلایه‌مند است و تیغ تند انتقاداتش را متوجه روزگار و مردمان آن می‌کند و پایان بخش شکوه‌هایش دعا برای فرج حضرت قائم (علیه‌السلام) است:

ز ابنای دوران گله بی‌شمار مرا هست ای ساقی کامکار
نما سرخوشم تا حکایت کنم به مستی ز دوان شکایت کنم
که مستی خسیسِ خیثِ زبون همه کامکارند در دهر دوان
به کنجی شده منزوی دوستان نشسته به مأوایشان دشمنان
نهان گشته یک‌چند از بیشه شیر شده روبه‌ان جملگی شیرگیر
ذیلان شده جملگی نامدار عزیزان ز جور خسان گشته خوار
همه ناکسان حاکم و حکمران شده حکمرانان به کنجی نهان
ز بس هست کار جهان بی‌تمیز عزیزان ذلیل‌اند و خواران عزیز
مگر از کرم، کردگار جهان کند ظاهر از فضل صاحب زمان

(ب ۲۵۱۷-۲۵۲۴)

شاعر روایتی را از علی بن ابراهیم نقل می‌کند که حدود سال ۳۰۰ قمری هنگام طواف خانه خدا چشمش به چهره نوجوان نکورو و خوشخوی می‌افتد که پاره‌سنگی در دست راوی می‌گذارد و همان تبدیل به زر می‌شود و آن نوجوان می‌پرسد:

مرا می‌شناسی ایا کاردان	به پاسخ بگفتم نه، ای نوجوان
بگفتا منم مهدی، ای مرد دین	منم قائم و حجت اندر زمین
منم رهبر و رهنمای عباد	زمین را کنم مملو از عدل و داد

(ب. ۲۵۵۷-۲۵۵۹)

دربارهٔ تشرّف علی بن مهزیار اهوازی به پابوس حضرت قائم علیه السلام نیز آمده است:

حدیث طولیلی که بن مهزیار	روایت نماید از آن شهریار
بگوید که من خود به صدق و یقین	رسیدم به پابوس آن شاه دین
سوالات بسیار، از آن جناب	نمودم ز الطاف و دادم جواب
بُدم چند روزی به نزدش مقیم	نوازش نمودم ز لطف عمیم
مرخص شدم چونکه از خدمتش	به دل آرزو هست از حضرتش
ندیدم به جز خیر در آن سفر	بود معجز افتخار بشر

(ب. ۲۵۶۶-۲۵۷۱)

ابیات پایانی این منظومه، دعای خالصانه برای ظهور عاجل امام عصر علیه السلام است و تمنای فضل و عطای الهی برای همهٔ دوستان و ذی‌حقوقان و والدین و سپس دعای خیر برای کسی که در حفظ نسخهٔ کتاب امانتداری ورزیده باشد و هشدار به کسانی که قصد تحریف و غلط‌نویسی از این منظومه داشته باشند؛ چراکه:

سبب اینکه مدح نبی است و آل	غلط چون نویسند آرد ملال
سپردم به احمد و آل کرام	که حفظش نمایند در هر مقام
به هر لمحهای صد هزاران کرور	به احمد و آلش سلام و سرور

(ب. ۲۶۱۵-۲۶۱۷)

نتیجه‌گیری

طریق النجات از بهترین نمونه‌های «ولایت‌نامه» سرایی قرن سیزدهم قمری محسوب می‌شود که شاعر با گنجانیدن ساقی‌نامه و درون‌مایه عرفانی در مقدمه هر بخش بلاغت کلام تاثیرگذار و دل‌نشینی را برگزیده است. تحلیل محتوایی این منظومه نشان می‌دهد شاعر به نیت اظهار ارادت و باور قلبی جوشان خود و اخلاص و صدق به پیامبر خاتم‌الصلوات (علیه‌السلام) و خاندان پاک امامت و ولایت، قصد انتقال میراث فاخر و معارف عمیق اهل بیت (علیهم‌السلام) را داشته است؛ خیالی اصفهانی با تلمیحات روایی توصیفی که عمدتاً به معجزات، کرامات، حوادث و وقایع تاریخی زندگی پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) اختصاص دارد، درنهایت ایجاز می‌کوشد با تکیه بر روایت‌های مستند و راویان معتبر، غنای محتوایی افزون‌تری به منظومه دینی طریق النجات ببخشد. موضوعات و مضامینی مانند حقانیت پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و عظمت وجودی خاندان ایشان، توجه ویژه به برآورده کردن حوائج مردم، داشتن خصلت انسان دوستانه، علم و فضل سرشار، معرفت گسترده و اطلاع از امور غیبی، آگاه بودن از ذهن و ضمیر افراد، شفابخشی و درمان‌گری، آگاه بودن از زبان حال جمادات و حیوانات، برآورده کردن خواسته‌های درونی و پنهانی افراد و واسطه استجابت دعا، شجاعت در عین مظلوم واقع شدن و اراده شگرف برای پیمودن راه حق و کوشش خستگی‌ناپذیر در مجاهدت و مقابله با ظالمان و غاصبان از مهم‌ترین و موثرترین مواردی است که شاعر در منظومه خود برگزیده است تا معتقدان و متدینان را به شناخت و فراگیری معارف ناب اهل بیت (علیهم‌السلام) و فضایل بی‌شمار ائمه (علیهم‌السلام) ترغیب و تشویق کند. ۱۴ باب این منظومه در حکم مدح متعالی اسوه‌های مذهب تشیع است که شاعر با بیانی حاکی از دل‌سوختگی و ارادتی نشئت گرفته از ایمان قلبی، آنان را واسطه شفاعت و رحمت الهی قرار داده است. با تعمق در کلام شاعر به‌ویژه در مقدمه‌چینی و پایان‌بندی هر بخش می‌توان دریافت که عواطف و احساسات شخصی و محدود شاعر به عقاید و باورهای دینی و مذهبی تغییر ماهیت می‌دهد و تحت تاثیر آنچه در تاریخ شعر شیعی دیده می‌شود، این منظومه نیز در بطن خود فریادگر نوعی طغیان و اعتراض عقیدتی، سیاسی و اجتماعی به حاکمیت جباران و غاصبان است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (ترجمه محمد مهدی فولادوند).
- آئینه‌وند، صادق. (۱۳۵۹). ادبیات انقلاب در شیعه. ج ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ———. (۱۳۶۲). ادبیات انقلاب در شیعه. ج ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۳). عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. ج ۲. تهران: نشر صدوق.
- امینی، عبدالحسین. (بی تا). ترجمه العذیر. ترجمه محمد تقی واحدی؛ با تصحیح و مقابله سیدهادی سینا. ج ۳. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، انتشارات غدیر.
- بحرینی، سارا سادات. (۱۳۹۶). «تصحیح مثنوی خیبرنامه، محمدحسین خیالی اصفهانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز نیشابور.
- بزرگ بیگدلی، سعید و کرمی، اکرم. (۱۳۹۸). «ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه؛ سال ۷، شماره ۲۷. مرداد و شهریور.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی. چاپ سوم. تهران: علم.
- حیدریان، درنا. (۱۳۹۵). «تصحیح دیوان صاحب الدین محمدحسین خیالی اصفهانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز نیشابور.
- خیالی اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۹۳). طریق النجات فی احوالات الائمه الاثنی عشر (علیهم صلوات الله و سلام الملک الاکبر) و مدحهم و الحمد و النعت للنبی. مقدمه و تصحیح و تعلیق مرتضی جرمگی عمرانی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۸). کسایی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او. تهران: توس.
- شیخ رئیس کرمانی، محمد. (۱۳۸۸). شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی. تهران: اطلاعات.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۹). تاریخ ادبیات ایران. ج ۳. تلخیص از محمد ترابی. تهران: فردوس.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله. (۱۴۰۹ ق). الخرائج و الجرائع. ج ۱. قم: موسسه امام مهدی (علیه السلام).
- کاشی، حسن. (۱۳۸۸). دیوان حسن کاشی. به کوشش سید عباس رستاخیز. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کریمی، محمود؛ کاظمی، ابوالفضل؛ دیمه‌کار، محسن. (۱۳۹۲). «واکاوی اصول و گونه‌های اعجاز در سیره امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی. دوره ۱، شماره ۱. صص ۸۷-۱۳۳.
- کفاش، حمزه. (۱۳۹۴). «بررسی ولایت‌نامه به مثابه گونه ادبی خاص شعر شیعی در قرن نهم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نادعلی‌زاده، مسلم. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار). رساله دکترا. دانشکده ادبیات دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.